

Imam Khumeini's Approach to the Political Exegesis of the Noble Qur'an¹

Ali Soroush¹

1. Researcher in Shahid Sadr Research Institute & Graduated Phd. Political Science from the Baqir al-Ulum University, Qom, Iran. nabsoroush1@gmail.com

Received: 9 September 2018; **Accepted:** 6 April 2020

Abstract

The purpose of the present study is to present Imam Khumeini's approach to the political exegesis as an effective exegetical approach to the political transformations in the Muslim World. Explaining and discourse-building of this exegetical approach can pave the way for returning the Qur'an to the context of transformations in the Muslim World. The current research study aims to answer that what Imam Khumeini's distinctive approach to the political exegesis of the Noble Qur'an is. This approach was explained relying on the theoretical framework of the theory of Two Fitrah. The results of the study showed that the Qur'an as an independent and efficient political school has not turned to a widespread discourse in the Muslim World yet because of 2 reasons: First, the petrified interpretations in the Muslim World have depoliticized the Qur'an by exaggerating the ancillaries of faith and marginalizing "Qur'anic objectives"; second, eclectic approaches have interpreted the Qur'an secular and separated from politics and society. Both of these reasons have led to the "seclusion of the Qur'an" and therefore the political thought and act in the Muslim World today are not affected by the Qur'anic objectives. However, Imam Khumeini's special and distinctive approach to the political exegesis of the Qur'an could introduce this holy book as a political school and have serious effects on the political transformations and the Islamic revolution in Iran and the international level. Imam Khumeini's most important principles of the political exegesis include goal-orientation, populism, pragmatism. The result of this approach is a special exegetical approach called "practical approach" seeking to fulfill Qur'anic objectives in the world.

Keywords: Political Exegesis, Imam Khumeini, Qur'anic Objectives, Tahrif (Distortion), Practical Exegesis.

1. This article is extracted from the Ph.D. dissertation entitled "Imam Khumeini's Approach to the Political Exegesis of the Noble Qur'an for Representing a Role Model to the Muslim World" by Ali Soroush supervised by Najaf Lak Zaii, at the faculty of history, civilization, and political studies, Baqir al-Ulum university in Qom, 1396

رویکرد امام خمینی در تفسیر سیاسی قرآن کریم^۱

علی سروش^۱

۱. دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم؛ پژوهشگر پژوهشکده شهید صدر، قم، ایران.
nabsorush1@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۱۸

چکیده

هدف پژوهش حاضر ارائه رویکرد تفسیر سیاسی امام خمینی، به مثابه یک رویکرد تفسیری اثربخش در تحولات سیاسی جهان اسلام بود. تبیین و گفتمان‌سازی این رویکرد تفسیری می‌تواند زمینه‌ساز بازگشت قرآن به متن تحولات جهان اسلام باشد. در این پژوهش به این سوال پاسخ داده شد که رهیافت متفاوت امام خمینی در تفسیر سیاسی قرآن کریم چیست؟ این رویکرد مبتنی بر چارچوب نظری نظریه دوفطرت تبیین گردید. نتایج نشان داد که قرآن به مثابه یک مکتب سیاسی مستقل و کارآمد به یک گفتمان فراگیر در جهان اسلام تبدیل نشده است، چرا که تفاسیر متحجرانه در جهان اسلام با بزرگ‌نمایی فروع و به حاشیه راندن «مقاصد قرآن» از قرآن سیاست‌زدایی نموده‌اند، و رویکردهای ملتقطانه، قرآن را سکولار و جدای از سیاست و جامعه تفسیر نموده‌اند و حاصل هر دو «مهم‌چوریت قرآن» بوده است، لذا امروز اندیشه و کنش سیاسی در جهان اسلام متأثر از مقاصد قرآن نیست. اما رهیافت خاص و متفاوت امام خمینی در تفسیر سیاسی قرآن توانست قرآن را به مثابه یک مکتب سیاسی معرفی کند و تأثیرات جدی در تحولات سیاسی ایران و انقلاب اسلامی در سطح بین‌المللی داشته باشد. مهم‌ترین اصول تفسیر سیاسی امام خمینی مقصدگرایی، مردم‌گرایی و عمل‌گرایی است. حاصل این اصول، رویکرد خاص تفسیری با عنوان «رویکرد راهبردی» خواهد بود، که در پی تحقق مقاصد قرآنی در جهان است.

واژه‌های کلیدی: تفسیر سیاسی، امام خمینی، مقاصد قرآن، تحریف، تفسیر راهبردی.

۱. برگرفته از رساله دکتری: علی سروش، «رویکرد امام خمینی در تفسیر سیاسی قرآن کریم برای ارائه الگو به جهان اسلام»، استاد راهنما دکتر نجف لکزایی، رشته علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده تاریخ و مطالعات سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم.

۱. مقدمه

امام خمینی عامل انحطاط و عقب ماندگی جوامع اسلامی و در نهایت مستعمره شدن آنها را عمل نکردن به ارزش های قرآنی می داند (نجف لک زایی، ۱۳۸۷ ب: ص ۶۹). مسائل و چالش های امروز جهان اسلام به دلیل دوری جوامع اسلامی از راهبردهای قرآنی است. امام خمینی بزرگ ترین مشکل جهان اسلام را کنار گذاشتن و مهجوریت سیاسی قرآن کریم می داند (صادقی ارزگانی، ۱۳۸۸: ص ۲۴۹).

«مشکلات مسلمین زیاد است، لکن، مشکل بزرگ مسلمین این است که قرآن کریم را کنار گذاشته اند و تحت لوای دیگران درآمده اند» (امام خمینی، ۱۳۸۸ ج: ۱۳، ص ۲۷۶) ... «سلطه مستکبرین بر دولت های اسلامی در اثر دست برداشتن از قرآن کریم و اتکاء نداشتن بر قواعد اسلام بوده است» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ج ۱۶، ص ۳۹).

امام خمینی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به مرتبه دیگری از مهجوریت قرآن کریم اشاره کرده است و آن مهجوریت قرآن کریم در عرصه سیاست می باشد. امروزه قرآن کریم در میدان سیاست، در میان مسلمانان مرجعیت ندارد. در قرآن کریم، آیاتی وجود دارد که مربوط به حوزه سیاست است، ولی مردم توجهی به این آیات ندارند (مهدوی زادگان، ۱۳۹۵).

امروز قرآن به مثابه یک مکتب سیاسی مستقل و کارآمد در جهان اسلام فهم نشده است، چرا که تفاسیر متحجرانه در جهان اسلام با بزرگ نمایی فروع و به حاشیه راندن «مقاصد قرآن» از قرآن سیاست زدایی نموده اند، و رویکردهای ملتقطانه با التقاط بین «مقاصد لیبرالی و مارکسیستی» با «مقاصد قرآن»، قرآن را سکولار و جدای از سیاست و جامعه قرائت نموده اند. حاصل هر دو «مهجوریت قرآن» است، لذا امروز اندیشه و کنش سیاسی در جهان اسلام متأثر از مقاصد قرآن نیست.

اما رهیافت متفاوت و جدید امام خمینی در تفسیر سیاسی قرآن، توانست قرآن را به مثابه یک مکتب سیاسی معرفی کند و این مکتب سیاسی توانست تاثیرات جدی در تحولات سیاسی ایران و

انقلاب اسلامی در سطح بین‌المللی داشته باشد. در صورت کشف رهیافت امام خمینی در تفسیر سیاسی قرآن و گفتمان‌سازی آن در سطح جهان اسلام، می‌توان قرآن را به متن اندیشه و تحولات سیاسی جهان اسلام بازگرداند.

لذا سوال اصلی پژوهش حاضر این است که رهیافت متفاوت امام خمینی در تفسیر سیاسی قرآن کریم چیست؟ و چگونه این رهیافت توانسته است بر اندیشه و کنش سیاسی انقلاب اسلامی اثرگذار باشد؟

فرضیه پژوهش «رویکرد راهبردی» در تفسیر سیاسی قرآن کریم می‌باشد. مبتنی بر رویکرد راهبردی، مفسر صرفاً به دنبال فهم مفاهیم آیات قرآن نیست، بلکه مفسر تلاش می‌کند مقاصد آیات را نیز تبیین و محقق نماید.

۲. تعریف تفسیر سیاسی

از مسائل مهم در حوزه تفسیر سیاسی، تعریف این نوع از تفسیر می‌باشد، چرا که کمتر منبع علمی‌ای، تفسیر سیاسی را تعریف نموده است. تفسیر سیاسی، به‌رغم نیازمندی و ضرورت آن در جهان اسلام، نه تنها روشمند و منقح نشده است که تعریف ثابت و فراگیری نیز از آن وجود ندارد. مگر بتوان از روی تسامح، از برخی پایان‌نامه‌ها مانند «نقش جریان‌ات سیاسی بر تفسیر و مفسران در زمان پیامبر(ص)، صحابه، و تابعین» پژوهش علیرضا رستمی یا کتاب‌هایی مثل «تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر» نام برد، اما وی نیز از حیث فقر مبانی و اصول و قواعد نظام‌مند، در عملیات تفسیر سیاسی، درصدد بررسی بر نیامده است» (عابدی، ۱۳۹۶: ص ۵-۲۸).

با توجه به گستردگی حوزه تفسیر سیاسی و مولفه‌های متکثر اثرگذار در آن، برخی معتقدند، مفهوم تفسیر سیاسی، عنوان گرایش دانشی از دانش‌ها است. این گونه عناوین از اعتبارات اجتماعی‌اند. پس در تعریف این مفاهیم در پی تعریف حدی و رسمی رفتن خطا است. اساساً این نحوه امور در یک فرآیند تاریخی و در ظرف اجتماع توسط افراد متعدد با گرایش‌ها و بینش‌های متنوع ایجاد می‌شوند و نیز هویت آنها وابستگی بسیاری به مبانی معرفتی افراد دارد. به همین دلیل نمی‌توان انتظار یک تعریف دقیق حدی یا رسمی از چنین اموری داشت. با این حال می‌توان با

نگاه به دانش به دست آمده، جمع‌بندی آرای دیگران و نیز با لحاظ مبانی معرفتی خود، تعریفی مناسب از اینگونه هویت‌ها ارائه کرد (حسنی، ۱۳۹۲: ص ۲۰-۲۱).

در کتاب «مبانی معرفتی تفسیر سیاسی قرآن»، تفسیر سیاسی اینگونه تعریف شده است: در تعریف تفسیر گفتیم که مفسر باید دنبال غرض و مقصود آیات باشد، نه صرف معنای آنها. سیاست نیز در حالت‌های گوناگون (علم و فن) تعریف شد. در اینجا در ترکیب «تفسیر سیاسی»، هر دو تعریف و هر دو معنای سیاست را در نظر می‌گیریم. پس سطح نخست تفسیر سیاسی، تفسیر آیات قرآن برای فهم مسائل علوم سیاسی و مسائل علم سیاست و مسائل فن سیاست است و حقیقت و درجه والای تفسیر سیاسی این است که غرض‌ها و مقصودهای سیاسی کل قرآن و تک‌تک آیات از دیگر غرض‌ها (تربیتی، اقتصادی، حقوقی، عرفانی و...) تفکیک شود و مفسر بتواند این غرض‌ها را شرح کند. به عبارت دیگر، غرض و مقصود برخی آیات به صورت روشن و برخی به صورت نیمه روشن به تبیین و اصلاح و بنیانگذاری مسائل و برنامه‌های سیاسی اسلام مربوط می‌شود و تفسیر وظیفه دارد این غرض‌های سیاسی را به خوبی شناسایی و شرح کند تا اسلام را آخرین دین الهی و دینی که دارای نظام سیاسی و تمامی امور لازم برای اداره یک جامعه است را به جهان معرفی کند. این فهم سیاسی از قرآن می‌تواند در سطوح، روش‌ها، قالب‌ها و مصداق‌های گوناگون مطرح شود. از این‌رو بررسی این مصداق‌ها به افزایش روشنگری مفهوم تفسیر سیاسی می‌انجامد (همان: ص ۳۹). براساس این کتاب تعریف تفسیر سیاسی در واقع تفسیری است که هدفش در گام نخست فهم مسائل سیاسی و در گام دوم شرح مقاصد سیاسی کل قرآن است.

تعریف فوق تلاش کرده است تعریف کاملی از تفسیر سیاسی ارائه کند، اما به نظر می‌رسد، این تعریف در عین اشاره به شاخص‌های مهمی از تفسیر سیاسی، ناقص است. این تعاریف بیشتر رویکرد تخصصی به سیاست دارند و تفسیر سیاسی را عملاً منحصر در تفسیر موضوعی سیاسی می‌کند.

تعریف فوق در نهایت تلاش دارد، مقاصد سیاسی قرآن را کشف و تفسیر نماید، در حالیکه در اندیشه اسلامی خصوصاً مبتنی بر اندیشه امام خمینی که عبادی‌ترین احکام اسلام را سیاسی

می‌داند، نمی‌توان مقاصد را به سیاسی و غیرسیاسی تقسیم نمود، چرا که این مقاصد بسیار به هم تنیده و مرتبط هستند. در اندیشه امام خمینی، توحید هم سیاسی بوده و نفی عبودیت طاغوت است، سیر و سلوک نیز سیاسی می‌باشد و رقابت لشکریان عقل و جهل در مملکت انسان بوده و اسفار اربعه نیز سیاسی است. لذا، اینکه بگوییم تفسیر سیاسی به سوالات علم سیاست پاسخ می‌دهد و یا اینکه به دنبال فهم مقاصد سیاسی قرآن است، کامل نیست، بلکه تفسیر سیاسی قرآن در وجه کاملش به دنبال فهم راهبردی و سیاسی کل قرآن و کل دین در عین جامعیت‌اش است.

تعریف فوق باعث یک بعدی شدن تفسیر سیاسی می‌شود، و بعد سیاست را در برابر ابعاد دیگر از جمله ابعاد فردی، اخلاقی، تربیتی و... تقویت می‌کند. در حالی که تفسیر سیاسی مطلوب باید ضمن تبیین مسائل خاص قدرت و حکومت و دیگر مسائل علم سیاست بتواند جایگاه دیگر مفاهیم و دیگر علوم را در فهم سیاسی قرآن معین کند.

از طرف دیگر، برخی تفاسیر هستند که اساساً به مفاهیم پایه‌ای سیاست نپرداخته‌اند، و یا به مقاصد سیاسی قرآن توجه خاص و جدی‌ای نداشته‌اند، اما کاملاً دارای اهداف سیاسی و اثرگذار سیاسی هستند. به عنوان مثال عمده تفاسیر علمی که در تلاش برای تطبیق معارف قرآن با علوم پوزیتیویستی^۱ بوده‌اند، خواسته یا ناخواسته زمینه‌ساز قدرت یافتن قدرت‌های غربی هستند. مصداق بارز اینگونه تفسیر سیاسی «تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان» اثر سید احمدخان هندی^۲ (۱۸۱۷-۱۸۹۸م) است که تاثیر مستقیم سیاسی در جامعه هند داشت و زمینه‌ساز استعمار هند توسط دولت بریتانیا بود. تفاسیر سنتی و سلفی حتی اگر به مفاهیم سیاسی و مولفه‌های قدرت اشاره نکرده باشند، اما عامدانه الگوی حکومت سکولار یا اسلام سکولار را ترویج کرده و جریان‌های سیاسی سکولار را پشتیبانی می‌کنند، تاثیر مستقیم سیاسی داشته و الگوی دموکراسی را نفی می‌کنند. به عبارت روشن‌تر، تفاسیر غیرسیاسی که تبیین‌کننده جدایی دین از سیاست هستند

1. Positivism.

2. Syed Ahmad Khan.

خود می‌توانند از سیاسی‌ترین تفاسیر باشند.

لذا، در تعریف تفسیر سیاسی نباید فقط به «متن» توجه کرد، بلکه به «زمینه» نیز باید توجه داشت. تعریف تفسیر سیاسی باید به گونه‌ای باشد که اولاً فقط منحصر به تفاسیر موضوعی نشود، ثانیاً تفاسیری را که مستقیماً به مولفه‌های قدرت و دولت اشاره نکرده‌اند را لزوماً خارج نکند. بلکه معیار مهم در تفسیر سیاسی ارائه یک فهم سیاسی از قرآن و اسلام است، ارائه فهمی که منجر به تأثیرات ملموس سیاسی در جامعه می‌شوند و در تحولات سیاسی منشاء اثر هستند. بر این اساس، تفسیر سیاسی عبارت است از تفسیری از قرآن که نوع نگاه قرآن و اسلام را به سیاست مستقیم و یا غیرمستقیم مشخص می‌کند و ثانیاً مستقیم و یا غیرمستقیم معطوف به عینیت سیاست و جامعه هستند و در تحولات سیاسی جامعه خود و یا جهان اثرگذاری ملموسی دارند.

۳. قرآن و نظریه دو فطرت

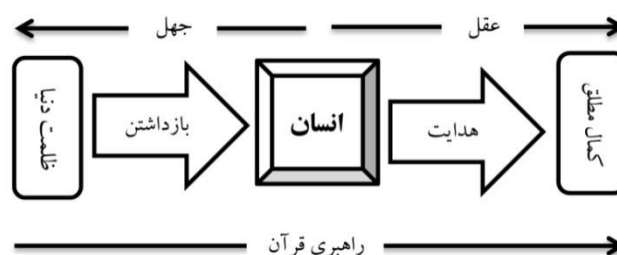
نظریه دو فطرت به عنوان یکی از مهم‌ترین پایه‌های فکری و اندیشه‌ای امام خمینی می‌تواند چارچوب نظری مناسبی برای کشف و فهم رویکرد متفاوت امام خمینی در تفسیر سیاسی قرآن کریم باشد. امام خمینی جایگاه ویژه‌ای را برای قرآن کریم در هستی‌شناسی و خلقت تبیین می‌نماید. ایشان در تبیین حدیث شریف جنود عقل و جهل (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۳۶) در مقدمه کتاب «شرح جنود عقل و جهل» ضمن تبیین «نظریه دو فطرت» جایگاه و هستی‌شناسی قرآن را مشخص می‌کنند.

طبق این نظریه اولین مخلوق خداوند «عقل» است و در مقابل آن و ضد عقل، «جهل» است که بعد از عقل خلق گردید، و این دو در تقابل دائمی با یکدیگرند. خداوند به هر یک لشگری عنایت نمود، وزیر «عقل»، را «خیر» قرار داد و وزیر «جهل» را «شر». امام خمینی توضیح می‌دهد منظور از خیر در اینجا همان فطرت بوده و منظور از شر در اینجا فطرتی می‌باشد که دچار حجاب شده است (امام خمینی، ۱۳۸۷: ص ۷۷).

طبق این نظریه انسان فطرتاً پاک آفریده می‌شود، اما وقتی بدنیا می‌آید، حجاب‌های گوناگون دنیوی این فطرت پاک را که ایشان «فطرت مخموره» می‌نامد، دچار حجاب و توهم می‌شود و

«فطرت مخموره» تبدیل به «فطرت محجوبه» می‌گردد. چون غالباً ظلمات و حجاب‌های دنیا بر فطرت چیره می‌شود. خداوند با لطف خود پیامبران و «کتاب» را می‌فرستد تا انسان را هدایت کنند و از این حجاب‌ها نجات دهند، در واقع «قرآن» کتابی است که فطرت را از حجاب‌های دنیا خارج می‌سازد، و او را به کمال «هدایت» می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۷: ص ۷۹). براساس نظریه دو فطرت، به عنوان چارچوب نظری این پژوهش، می‌توان مبانی زیر را به عنوان مبانی تفسیر سیاسی امام خمینی استخراج نمود.

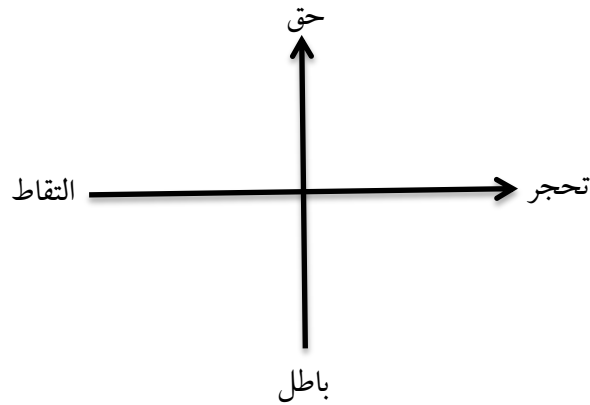
مبنتی براین نظریه همه «مقاصد قرآن» و همه راهبردهای قرآن، در دو مقصد خلاصه می‌شود، که یکی از این مقاصد اصلی و دیگری فرعی و تابع مقصد اصلی است. آن مقصد اولی و اصلی که همه مقاصد به آن بازگشت می‌کند، هدایت و توجه دادن فطرت انسان‌ها به کمال مطلق است، و مقصد دوم که تابع مقصد اولی است، بازداشتن و تنفر دادن فطرت انسان‌ها از دنیاگرایی می‌باشد (امام خمینی، ۱۳۸۷: ص ۸۰).



شکل ۱. جایگاه قرآن در نظریه دوفطرت

۳-۱. مفاهیم متقابل

اگرچه که مفسران دیگری نیز به مفاهیم متقابل توجه نموده‌اند، اما مفاهیم متقابل در تفسیر سیاسی امام خمینی جایگاه محوری و مبنایی دارد. در مختصات نظریه دو فطرت، یک «تقابل» و یک «مبارزه» دائم وجود دارد. در این مختصات تقابلی و دوسویه و این رویکرد مقاصدی، مفاهیم متقابل و مقاصد متقابل هر دو مهم هستند. برای فهم دقیق هر مفهوم باید ابتدا ضد آن و مفهوم محجوبه آن را فهم نمود.



شکل ۲. مفاهیم متقابل

۲-۳. مفاهیم محجوبه

همانگونه که اشاره شد، مبتنی بر نظریه دو فطرت، نقش قرآن در هستی نجات فطرت بشر از حجاب‌ها و تحریف‌ها است:

«چون این احتجابات و ظلمات و کدورات بر نفس غالب و چیره است، و کم اتفاق افتد که کسی به خودی خود بتواند از این حُجُب بیرون آید و با فطرت اصلیه سیر به عالم اصلی خود بنماید و به کمال مطلق و نور و جمال و جلال مطلق برسد، حق- تبارک و تعالی- به عنایت ازلی و رحمت واسعه انبیاء عظام - علیهم السلام- را برای تربیت بشر فرستاد و کتب آسمانی را فرو فرستاد تا آنها از خارج، کمک به فطرت داخلیه کنند، و نفس را از این غلاف غلیظ نجات دهند. از این جهت، احکام آسمانی و آیات باهرات الهی و دستورات انبیاء عظام و اولیاء کرام، بر طبق نقشه فطرت و طریقه جبَلَّت بنا نهاده شده» (امام خمینی، ۱۳۸۷: ص ۷۹).

لذا، اصل اولی آن است که مقاصد الهی در دنیا دچار حجاب و تحریف می‌شوند، این تحریف از سوی «جنود جهل» صورت می‌گیرد و این حجاب‌افکنی، تحریف و تولید «مفاهیم محجوبه»

مهم‌ترین راهبرد «جنود جهل» است. جنود جهل از طریق اصحاب «قدرت» مفاهیم، معارف و مقاصد الهی را تحریف می‌نمایند. این تحریف در طول تاریخ توسط قدرت‌های حاکم هر عصری صورت می‌گرفته است، حاکمان از طریق «علمای درباری» به تعبیر قرآن همچون «احبار» این راهبرد مهم خود را محقق می‌نمایند:

«آیا در شرایطی که استعمار، قرآن مسلمان‌ها را تحریف می‌کند، ما ساکت باشیم؟!»

(امام خمینی، ۱۳۸۸ج: ج ۱، ص ۱۶۰).

در عصر حاضر نیز این «تحریف» از سوی قدرت‌های حاکم، به صورت خاص «قدرت هژمون» ایالات متحده و از طریق برخی علمای هم‌سو با امریکا و استعمار صورت می‌گیرد، لذا، امام خمینی همه مفاهیم تحریف شده را با پسوند «امریکایی» معرفی کرده و همه این مفاهیم تحریف شده را ذیل مفهوم «اسلام امریکایی» صورت‌بندی می‌کند (هاشمیان و نامخواه، ۱۳۹۳: ص ۷۱).

مقاصد تحریف شده	مقاصد ناب
اسلام امریکایی	اسلام ناب
علمای درباری	عارفان مبارزه‌جو
منافق	مؤمن

جدول ۱. مقاصد تحریف شده

«امروز استکبار شرق و غرب چون از رویارویی مستقیم با جهان اسلام عاجز مانده است، راه ... نفوذ و گسترش فرهنگ اسلام امریکایی را از طرف دیگر به آزمایش گذاشته‌اند راه مبارزه با اسلام امریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پابرهنه روشن گردد که متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی مرز بین «اسلام امریکایی» و «اسلام ناب محمدی» و اسلام پابرهنگان و محرومان، و اسلام مقدس‌نماهای متحجر و سرمایه‌داران

خدانشناس و مرفهین بی‌درد، کاملاً مشخص نشده است. روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب و در یک آیین دو فکر متضاد و رودررو وجود داشته باشد، از واجبات سیاسی بسیار مهم است» (امام خمینی، ۱۳۸۸ج: ج ۲۱، ص ۱۲۱).

برای فهم و درک هر مفهوم قرآنی و هر مقصد قرآنی ابتدا باید مفاهیم تحریف شده آن را شناخت، تا بعد بتوان «مفاهیم ناب» آن را درک نمود. لذا، در تفسیر امام خمینی، مفاهیم «تحریف شده» جایگاه ویژه‌ای دارد، و ایشان با تبیین و تفسیر مفاهیم تحریف شده تلاش می‌کند مفاهیم ناب نمایان شود. مفاهیمی چون اسلام امریکایی در برابر اسلام ناب، علمای درباری در برابر عارفان مبارزه‌جو و

۴. تحریف مقاصد قرآن

قرآن مانند همه کتاب‌های آسمانی دیگر در معرض تحریف قرار داشته، چرا که معارف و مقاصد قرآن در طول تاریخ در تضاد با منافع بسیاری از قدرت‌ها و دولت‌ها بوده است. البته قرآن چون دیگر کتاب‌های آسمانی تحریف متنی نشده، چراکه ائمه اطهار و ولایت فقیه بعد ایشان جلوی چنین امری را گرفته‌اند، اما قرآن همواره در معرض تحریف محتوایی قرار داشته است. مهم‌ترین تحریف قرآن، تحریف مقاصد راهبردی قرآن می‌باشد. در عصر حاضر نیز قرآن در معرض تحریف قدرت‌های سیاسی قرار داشته، لذا، تفاسیر قرآن تهی از کارکردهای اجتماعی، سیاسی و راهبردی بوده و در مقابل کارکردهای صرفاً قدسی و معنوی یافته است:

«نهضت اسلام در آغاز گرفتار یهود شد و تبلیغات ضد اسلامی و دسایس فکری را نخست آنها شروع کردند. به طوری که ملاحظه می‌کنید دامنه آن تا به حال کشیده شده است. بعد از آنها نوبت به طوایفی رسید که به یک معنی شیطان‌تر از یهودند. اینها به صورت استعمارگر از سیصد سال پیش، یا بیشتر به کشورهای اسلامی راه

پیدا کردند^۱ و برای رسیدن به مطامع استعماری خود لازم دیدند که زمینه‌هایی فراهم سازند تا اسلام را نابود کنند ... اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالتند. دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند. مکتب مبارزان و مردم ضد استعمار است. اما اینها اسلام را طور دیگری معرفی کرده‌اند و می‌کنند. تصور نادرستی که از اسلام در اذهان عامه به وجود آورده و شکل ناقصی که در حوزه‌های علمیه عرضه می‌شود، برای این منظور است که خاصیت انقلابی و حیاتی اسلامی را از آن بگیرند، و نگذارند مسلمانان در کوشش و جنبش و نهضت باشند، آزادی‌خواه باشند، دنبال اجرای احکام اسلام باشند. حکومتی به وجود بیاورند که سعادتشان را تامین کند، چنان زندگی داشته باشند که در شأن انسان است ... برای اینکه کمی معلوم شود فرق میان اسلام و آنچه به عنوان اسلام معرفی می‌شود تا چه حد است، شما را توجه می‌دهم به تفاوتی که میان «قرآن» و کتب حدیث، با رساله‌های عملیه هست: قرآن و کتاب‌های حدیث، که منابع احکام و دستورات اسلام است، با رساله‌های عملیه، که توسط مجتهدین عصر و مراجع نوشته می‌شود، از لحاظ جامعیت و اثری که در زندگانی اجتماعی می‌تواند داشته باشد، به کلی تفاوت دارد. نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است!» (امام خمینی، ۱۳۸۸: ص ۱۰).

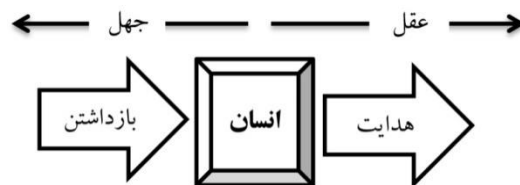
مبتنی بر این نظریه فطرت، مقاصد و هدایت، دائماً دچار حجاب و تحریف می‌شود، چرا که اساساً نقش «جهل» و «فطرت محجوبه» حجاب‌افکنی بر کمالات و مقاصد بوده و حتی خود

۱. از اواسط قرن شانزدهم میلادی، یعنی بیش از سه قرن پیش بود که پرتغالی‌ها و به دنبال آنان اتباع کشورهای هلند، انگلستان، فرانسه و ایتالیا به استعمار کشورهای مسلمان‌نشین پرداختند، در آغاز کشورهای تازه کشف‌شده آفریقا، و بعد از پیدا شدن راه‌های دریایی، کشورهای آسیایی (که ارتباط آنها بعد از استیلای تُرکان عثمانی بر قسطنطنیه، با اروپا قطع شده بود) تحت استعمار درآمد.

فطرت دچار این حجاب و تحریف می‌باشد. لذا، در ادبیات امام خمینی مفاهیم تحریف شده توجه ویژه‌ای شده است.

امام خمینی در کتاب «ولایت فقیه»، به این نکته اینگونه اشاره می‌کند:

امام صادق (ع) می‌فرماید: علما میراث برا [ن پیامبرا] نند، زیرا که پیامبران هیچ‌گونه پولی به میراث نمی‌گذارند، بلکه احادیثی از سخنانشان را به میراث می‌گذارند. بنابراین، هر که بهره‌ای از احادیثشان برگیرد، در حقیقت بهره‌ای شایان و فراوان برده باشد. پس، بنگرید که این علمتان را از چه کسانی می‌گیرید، زیرا در میان ما اهل بیت پیامبر (ص) در هر نسلی افراد عادل درستکاری هستند که تحریف مبالغه‌ورزان و روش‌سازی نارواگران و تأویل نابخردان را از دین دور می‌سازد (ساحت دین را از تغییرات مغرضان و تحریف‌های نادانان و امثال آن پاک می‌گردانند) (امام خمینی، ۱۳۸۸: ص ۹۸).



شکل ۳. جایگاه قرآن و ولی در نظریه دو فطرت

لذا، در هر عصری این «ولی» است که می‌تواند قرآن را از تحریف، خصوصاً تحریف در مقاصد نجات دهد. همان‌گونه که بیان شد، چه به لحاظ هستی‌شناسانه و چه به لحاظ عینیت و واقعیات تاریخی، قرآن در معرض تحریف قرار دارد. این تحریف گسترده و پیچیده که از سوی قدرت‌های بزرگ هر عصری صورت می‌گیرد، جز با حضور «ولی» برچیده نمی‌شود. این ولی، اعم است از اوصیاء پیامبر (ص) و فقها (خصوصاً ولی فقیه).

۵. تحریف قرآن و امام خمینی

امام خمینی تلاش می‌کند با بازخوانی قرآن کریم و با یک نگرش جامع و سیستمی کارکردهای سیاسی و نقش راهبردی را به قرآن برگرداند، و ضمن کشف، تفسیر و تبیین مقاصد قرآنی، آن مقاصد را در جوامع انسانی محقق نماید، لذا، ایشان برخلاف غالب مفسرین، به جای پرداختن به مسائل ادبی، تاریخی و... به مقاصد قرآن توجه ویژه‌ای می‌نماید:

«فقط قرائت قرآن می‌کنیم برای ثواب و اجر، و لهذا جز به جهت تجوید آن اعتنائی نداریم. می‌خواهیم قرآن را صحیح بخوانیم که ثواب به ما عنایت شود، و در همین حد واقف می‌شویم و به همین امر قناعت می‌کنیم، و لهذا چهل سال قرآن شریف را می‌خوانیم و به هیچ وجه از آن استفاده‌ای حاصل نشود، جز اجر و ثواب قرائت. و یا اگر نظر تعلیم و تعلم داشته باشیم، با نکات بدیعیّه و بیانیّه و وجوه اعجاز آن، و قدری بالاتر، جهات تاریخی و سبب نزول آیات، و اوقات نزول، و مکی و مدنی بودن آیات و سور، و اختلاف قرائات و اختلافات مفسرین از عامّه و خاصه، و دیگر امور عرضیه خارج از مقصد که خود آنها موجب احتجاب از قرآن و غفلت از ذکر الهی است، سروکار داریم. بلکه مفسرین بزرگ ما نیز عمده هم خود را صرف در یکی از این جهات یا بیشتر کرده و باب تعلیمات را به روی مردم مفتوح نکرده‌اند» (امام خمینی، ۱۳۸۸ الف: ص ۱۹۲).

امام خمینی تلاش می‌کند وجوه اجتماعی و سیاسی قرآن و الگوهای تمدنی قرآن را نیز به جهان اسلام معرفی نماید، لذا، تاکید خاصی بر آیاتی دارد که به مبارزات انبیاء، موسی، ابراهیم و... با دشمنان خود، فرعون، قارون، نمرود و... اشاره می‌نماید:

«از مطالب این صحیفه نورانیّه، بیان احوال کفار و جاحدین و مخالفان با حقّ و حقیقت و معاندین با انبیاء و اولیاء علیهم السلام، و بیان کیفیت عواقب امور آنها و چگونگی بوار و هلاک آنها، چون قضایای فرعون و قارون و نمرود و شداد و اصحاب فیل، و دیگر از کفره و فجره، که در هر یک از آنها موعظتها و حکم بلکه

معارفی است برای اهلش. ... یکی از آنها کیفیت مجاهدات اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله است، برای بیدار کردن مسلمین از خواب غفلت و برانگیختن آنها است برای مجاهدت فی سبیل الله و تنفیذ کلمه حق و امانه باطل» (امام خمینی، ۱۳۸۸ الف: ص ۱۹۰).

مبتنی بر مبانی این اندیشه، قرآن همواره به دو روش مورد تحریف قرار گرفته است، روش تفسیر متحجرانه و روش تفسیر التقاطی از قرآن.

۶. تحجر و التقاط در تفسیر قرآن

امام خمینی به روشی که به جای اجتهاد با عقل و وحی، متمایل به وحی می‌شود و عقل را به حاشیه می‌برد، «تحجر» می‌گوید (پارسانیا و زائری، و اعلمی، ۱۳۹۴: ص ۶۷) و به روشی که متمایل به عقل صرف می‌شود و وحی را به حاشیه می‌برد، «التقاط» می‌گوید.

در مواجهه با متن و قرآن، سه رویکرد را می‌توان تبیین نمود، رویکرد اجتهادی که متن و قرآن را کمک عقل می‌داند و بین وحی و عقل جمع می‌نماید، رویکرد متحجرانه که عقل را ذیل قرآن تعریف کرده و رویکرد ملتقطانه که قرآن را ذیل عقل تعریف می‌کند.

تفاوت اساسی رهیافت امام خمینی در تفسیر سیاسی قرآن به دلیل شناخت این روش‌های تحریفی قرآن کریم است. در رویکرد متحجرانه و ملتقطانه قرآن تک بعدی فهم و تفسیر می‌شود. مبتنی بر این رویکردها، قرآن معنوی و در حوزه فردی فهم می‌شود، و نگرش مادی و اجتماعی عمدتاً مطرح نشده و اساساً مجالی برای تفسیر سیاسی باقی نمی‌ماند.

جدول ۲. روش‌شناسی جریان حق و باطل

جریان باطل		جریان حق
اجتهاد ملتقطانه	اجتهاد متحجرانه	اجتهادی

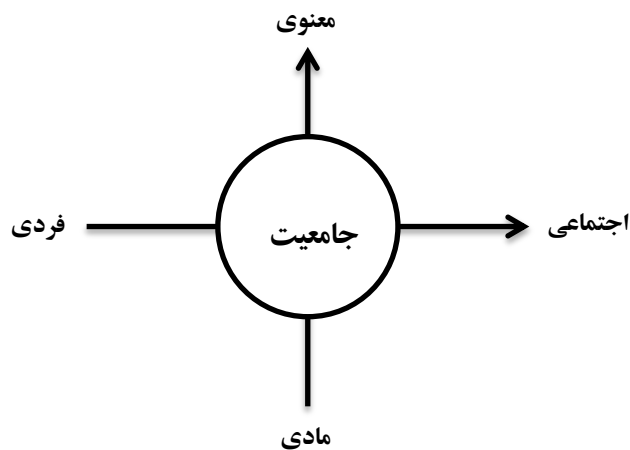
۷. جامعیت قرآن

برخلاف دو رویکرد پیش گفته که دارای نگرش تک بعدی است، و به مقاصد معنوی جدای از

مقاصد مادی و به مقاصد فردی جدای از مقاصد اجتماعی می‌اندیشد، در اندیشه امام خمینی قرآن دارای یک جامعیت است، در قرآن هم مسائل فردی و هم مسائل اجتماعی مطرح شده است. در قرآن هم به معنویات و هم به مادیات توجه شده است. چنانچه قرآن به آن تصریح می‌کند:

«إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۵۰).

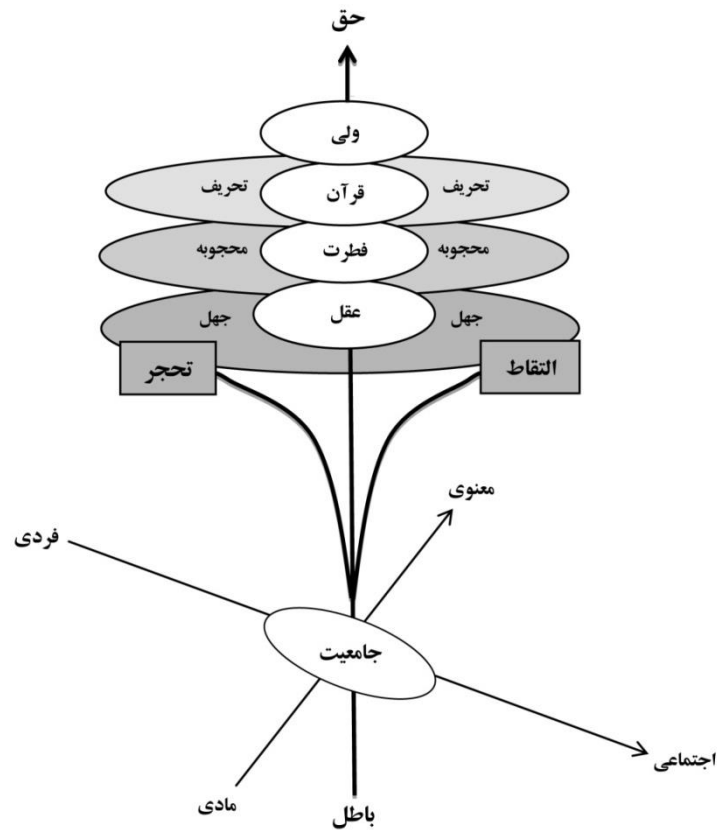
لذا، امام خمینی در تفسیر خود در عین توجه به مسائل فردی به مسائل اجتماعی و سیاسی می‌پردازد، چنانچه در عین مسائل سیاسی و اجتماعی به مسائل فردی توجه دارد، در مباحث عرفانی خود به سیاست و حکومت هم می‌پردازد و در سیاست خود اخلاق را فراموش نمی‌کند. «انسان همه چیز است و باید همه احتیاجاتش را قرآن تأمین کند. انسان یک اعجوبه‌ای است که همه عالم است، و قرآن یک اعجوبه‌ای است که اداره انسان را به همه اقشار می‌کند. در عین حالی که فقیه درست می‌کند، حکیم درست می‌کند، فیلسوف درست می‌کند، شمشیر زن درست می‌کند، جنگ‌جو درست می‌کند» (امام خمینی، ۱۳۸۶: ص ۲۷).



شکل ۴. جامعیت

یکی از مسائل امام خمینی در مواجهه با تفسیر قرآن، افراط و تفریط است، براساس این نگاه افراطی که در زمانی موجب شد مفسرین همه مفاهیم قرآنی را تأویل معنوی کنند، باعث تفریطی

شد که عده‌ای تلاش کردند، همه معارف قرآن را به امور مادی و دنیایی تاویل کنند: «مع الأسف ما در دو زمان مبتلای به دو طایفه بودیم. در یک زمان ما مبتلا بودیم به یک جمعیتی که قرآن را وقتی که نگاه می‌کردند و تفسیر می‌کردند و تأویل می‌کردند، اصلاً راجع به آن جهت بُعد مادیش، بعد دنیابیش توجه نداشتند. تمام را بر می‌گرداندند به یک معنویاتی. ... و ما بعدها مبتلا شدیم یک عکس‌العملی در مقابل آن که فعلاً الآن هست ... این طایفه دوم عکس کردند. معنویات را فدای مادیات کردند. آنها مادیات را فدای معنویات کرده بودند و اینها معنویات را فدای مادیات کردند» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۱۱، ص ۲۱۷).



شکل ۵. ابعاد الگوی تفسیر مبتنی بر نظریه دو فطرت

۸. رویکرد تفسیر سیاسی امام خمینی

امام خمینی در آثار گوناگون خود به تفسیر آیات قرآنی و یا روایات پرداخته‌اند، اما در مقدمه «شرح جنود عقل و جهل» ایشان به تفصیل روش تفسیر خود را از آیات و روایات بیان می‌کنند. این اصول تفسیر سیاسی امام خمینی در ادامه تبیین می‌گردد.

۸-۱. مقصدگرایی

همانگونه که اشاره شد، مهم‌ترین ویژگی این تفسیر رویکرد راهبردی و مقاصدی آن است، ایشان در مقدمه کتاب «شرح جنود عقل و جهل» ضمن تاکید بر این رویکرد راهبردی به برخی روش‌های دیگر اشاره می‌کنند.

نگاه امام خمینی به قرآن، یک نگاه اساساً راهبردی و در نتیجه سیاسی است، لذا، مهم‌ترین مفهوم در اندیشه قرآنی ایشان مفهوم «مقاصد قرآن» است. مهجوریت قرآن که در واقع مهجوریت «مقاصد قرآن» است، تا آنجا است که امام خمینی می‌گوید، تاکنون تفسیری برای کتاب خدا نوشته نشده است:

«تاکنون تفسیری برای کتاب خدا نوشته نشده است ... مفسّر از مقصود قرآن و منظور اصلی انزال کتب و ارسال رسل غفلت ورزیده و این یک خطایی است که قرن‌ها است این ملت را از استفاده از قرآن شریف محروم نموده و راه هدایت را به روی مردم مسدود کرده» (امام خمینی، ۱۳۸۸ الف: ص ۱۹۲).

امام خمینی برخلاف بسیاری از مفسرین که تفسیر را شرح لغات و بیان اسباب نزول و نکات ادبی و بلاغی آیات می‌دانند، تفسیر را شرح مقاصد کتاب می‌داند، و مفسّر را زمانی مفسّر می‌داند که «مقصد» از نزول را به ما بفهماند:

«به طور کلی معنی «تفسیر» کتاب آن است که شرح مقاصد آن کتاب را بنماید، و نظر مهم به آن، بیان منظور صاحب کتاب باشد. این کتاب شریف، که به شهادت خدای تعالی کتاب هدایت و تعلیم بوده و نور طریق سلوک انسانیت است، باید مفسّر در هر قصه از قصص آن، بلکه هر آیه از آیات آن، جهت اهتداء به عالم

غیب و حیث راهنمایی به طرق سعادت و سلوک طریق معرفت و انسانیت را به متعلم بفهماند. مفسر وقتی «مقصد» از نزول را به ما فهماند، مفسر است، نه «سبب» نزول به آن طور که در تفاسیر وارد است» (امام خمینی، ۱۳۸۸ الف: ص ۱۹۳).

مفسر اجتماعی در تلاش برای ایجاد رابطه و همسان‌سازی هدف دینی و هدف اجتماعی است. مفسر اجتماعی در اندیشه اصلاح و بهبود جامعه و گذر از شرایط موجود به شرایطی است که قرآن پیشنهاد می‌دهد و راه‌هایی در جهت حل مشکلات اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ارائه می‌دهد (ایازی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۲۸۰).

اقتضاء این نگاه راهبردی به قرآن یک رویکرد سیاسی و عملیاتی در تفسیر آن است، مقاصدی چون، تشکیل حکومت، اقامه شعائر و حدود، جهاد، دفاع و غیره همه مستلزم قدرت و دولت است، و تفسیر این مقاصد جز با یک فهم سیاسی از قرآن امکان‌پذیر نمی‌باشد. لذا تفسیر امام خمینی اساساً یک تفسیر سیاسی نیز است.

«اسلام دین سیاست است اصلش. اسلام را شما مطالعه دارید در آن. اسلام یک دینی است که احکام عبادی‌اش هم سیاسی است. این جمعه، این خطبه‌های جمعه، آن عید، آن خطبه‌های عید، این جماعت، اجتماع، این مکه، این مشعر، این منی، این عرفات، همه‌اش یک مسائل سیاسی است. با اینکه عبادت است، در عبادتش هم سیاست است» (امام خمینی، ۱۳۸۸ ج: ۱۱، ص ۴۶۴).

مفهوم «سیاست» در مکتب هدایت به شکل زیر قابل تعریف است: «تلاش انسان‌ها در جهت تحقق قانون الهی در روی زمین، به رهبری انبیاء، اوصیاء و اولیاء جهت نیل به سعادت قصوا» (لک‌زایی، ۱۳۸۷ الف: ص ۲۱)، لذا، در این اندیشه، سیاست عین دین است:

«آن که می‌گوید دین از سیاست جداست، تکذیب خدا را کرده است، تکذیب رسول خدا(ص) را کرده است، تکذیب ائمه هدی را کرده است» (امام خمینی، ۱۳۸۸ ج: ۲۰، ص ۱۱۵).

امام خمینی حوزه دخالت دین در سیاست را بسیار وسیع می‌داند و دین را متکفل ارائه برنامه

جامع زندگی انسان در همه ابعاد از جمله ابعاد اجتماعی آن می‌داند (قاضی‌زاده، ۱۳۸۹: ص ۳۴). امام خمینی با نگرشی جامع به دین و توجه به مقاصد نزول کتب و ارسال رسل، خصوصاً مقاصد سیاسی و اجتماعی دین در کنار جنبه‌های فردی، با رویکردی کاملاً اجتماعی و سیاسی قرآن را تفسیر نموده است. امام خمینی با روشی اجتهادی و با نگرشی راهبردی، مقاصدی و سیستمی قرآن را تفسیر می‌نماید.

در حوزه کنش سیاسی و عالم سیاست ایشان وظیفه حکومت اسلامی را تحقق مقاصد قرآن می‌داند، چنانچه در وصیت‌نامه خود به صورت خاص به تحقق «مقاصد قرآن» تاکید می‌کند: «و ما امروز مفتخریم که می‌خواهیم مقاصد قرآن و سنت را پیاده کنیم و اقشار مختلفی ملت ما در این راه بزرگ سرنوشت‌ساز سر از پا نشناخته، جان و مال و عزیزان خود را نثار راه خدا می‌کنند» (امام خمینی، ۱۳۸۸: ص ۳).

۸-۲. مردم‌گرایی

در برابر غالب رویکردهای تفسیری که نخبگانی هستند، امام خمینی توجه ویژه‌ای به مردم‌گرایی در تفسیر دارد. مردم‌گرایی فقط به معنای مردم فهم بودن تفسیر نیست، بلکه فراتر از آن به معنای توجه ویژه به نقش مردم در تحقق مقاصد قرآن است. در این رویکرد تفسیری اینگونه نیست که صرفاً علما و نخبگان محقق‌کننده مقاصد قرآن دانسته شوند.

یکی از انتقادهای ایشان به تفاسیر و شرح‌های موجود آن است که فقط قابل استفاده برای اهل علم است و عموم مردم از آن محروم هستند. از نکات مهم در اندیشه ایشان توجه به جایگاه مهم مردم است. در این اندیشه مردم هستند که محقق‌کننده آرمان‌های اسلامی در جامعه هستند، چنانچه در «الگوی جمهوری اسلامی» این اندیشه مردم‌گرایانه تبلور است.

مبثنی بر چنین اندیشه‌ای، مردم جایگاه محوری دارند، لذا، کفایت نمی‌کند که فقط علما و نخبگان تعالیم و مقاصد قرآن را فهم کنند، بلکه مردم هم باید کاملاً این تعالیم و مقاصد را درک نمایند، چرا که این مردم هستند که تحقق بخش این مقاصد در جامعه خواهند بود. لذا، تفسیر سیاسی باید «مردم‌فهم» باشد.

«آن که استفاده از نکات علمیه منحصر به اهل علم و فضل است و دست عامه از آن کوتاه است و ما را نظر به استفاده عموم بلکه عوام است».

۸-۳. عمل‌گرایی

یکی از نکات ضروری که در تفسیر اندیشه اسلامی باید به آن توجه شود، آن است که معارف و دستگاه فکری اسلامی از تجرد و ذهنیت محض خارج شده و همچون همه مکاتب اجتماعی ناظر به تکالیف عملی و به ویژه زندگی اجتماعی باشد و هر یک از مباحث نظری، از این دیدگاه که چه طرحی برای زندگی انسان و چه هدفی برای بودن او و چه راهی برای رسیدن به این هدف ارائه می‌دهد، مورد بررسی و تأمل و تحقیق قرار گیرد (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ص ۳۴).

امام خمینی رویکرد مقاصدی خود را صرفاً در مقام تبیین نظری مقاصد قرآن نمی‌بیند، بلکه رویکرد مقاصدی ایشان ناظر بر تحقق عینی و عملی مقاصد است:

«و نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا».^۱ چه خسارتی بالاتر از این که سی - چهل سال کتاب الهی را قرائت کنیم و به تفاسیر رجوع کنیم و از مقاصد آن باز مانیم، «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَ أَنْ لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (امام خمینی، ۱۳۸۸ الف: ص ۱۹۵).^۲

نگرش عمل‌گرایانه در تفسیر روایت توسط امام خمینی در برخی آثار مهم ایشان چون کتاب شرح جنود عقل و جهل موید همین رویکرد است. چنانچه در مقدمه کتاب «شرح جنود عقل و جهل» اشاره شده است که هدفشان در تفسیر، بیان نکات علمی بحث نیست، به دلایل مختلف از جمله اینکه علمای بسیاری به جهات علمی آیات و روایات پرداخته‌اند:

«باید دانست که نویسنده در نظر ندارد که بحث در اطراف جهات علمی این حدیث شریف کند. به جهاتی: اول. قصور باع و قلة اطلاع در این میدان. دوم. آن

۱. «ما از قرآن آنچه را که برای مؤمنان شفا و رحمت است، نازل می‌کنیم و آن ستمکاران را جز زیان نمی‌افزاید» (اسراء، ۸۲).

۲. «پروردگارا، ما بر خود ستم کردیم و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحم ننمایی، محققاً از زیانکاران خواهیم بود» (اعراف، ۲۳).

که شراح «کافی» شریف - که از اعظم علماء و افاحم فضلاء و زبده محققین و قدوه مدققین و اساتید علم و ایقان و اساطین فلسفه و عرفاند - برای کسی جای کلام نگذاشتند و در هر رشته‌ای دست اخلاف را از رشته سخن کوتاه نمودند، «جزاهمُ اللّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ خَيْرًا» (امام خمینی، ۱۳۸۷: ص ۸).

در اندیشه امام خمینی معارف اسلامی خصوصاً قرآن صرفاً یک کتاب علمی نیست که بخواهد نسخه ارائه کند، بلکه این کتاب کتابی متفاوت و از جنس عمل است، به تعبیر امام خمینی، «دارو» است، قرآن صرفاً کتاب قانون نیست، کتاب عمل و تحقق سعادت بشر است. لذا، در تفسیر مقاصدی ایشان، صرف کشف و بیان مقاصد آیات هدف نیست، بلکه مفسر باید بسترها، الزامات و مسیر تحقق مقاصد را نیز از قرآن کشف و بیان نماید. مفسر باید علاوه بر کشف مقصد، الگوی قرآنی تحقق مقاصد را نیز بتواند از بطن آیات کشف و بیان کند، به زبان دیگر باید «مقاصد راهبردی» به «مقاصد عملیاتی» مشخص تبدیل گردد.

«طیب روحانی باید کلامش حکم دوا داشته باشد، نه حکم نسخه. این کتب مذکوره نسخه هستند، نه دوا، بلکه اگر جرأت بود می‌گفتم: «نسخه بودن بعضی از آنها نیز مشکوک است»، ولی از این وادی صرف نظر کردن، اولی است» (امام خمینی، ۱۳۸۷: ص ۱۴).

در نهایت امام خمینی اینگونه نتیجه می‌گیرند که غالب مفسرین قرآن کریم و شارحین از «اصل اصول تفسیر» غافل‌اند. از این غافل هستند که مقصد قرآن «حاصل شدن مقصد» اعلاّی توحید است، و سریع از آن عبور کرده‌اند و به جای پرداختن به این مقصد اصلی و مهم، مفصل به مسائلی پرداخته‌اند که اساساً مقصود و نزول قرآن نبوده است، مسائلی چون جهات ادبی، فلسفی، تاریخی و... آیات:

«منظور ما این است که مقصد قرآن و حدیث، تصفیه عقول و تزکیه نفوس است برای حاصل شدن مقصد اعلاّی توحید. و غالباً شراح احادیث شریفه و مفسرین قرآن کریم این نکته را، که اصل اصول است، مورد نظر قرار ندادند و سرسری از

آن گذشته‌اند و جهاتی را که مقصود از نزول قرآن و صدور احادیث به هیچ وجه نبوده، از قبیل جهات ادبی و فلسفی و تاریخی و امثال آن، مورد بحث و تدقیق و فحص و تحقیق قرار داده‌اند» (امام خمینی، ۱۳۸۷: ص ۱۱).

ایشان نتیجه تفسیر و مفسرینی را که به جای پرداختن به مقاصد قرآن، به حواشی قرآن اعم از وجوه اعجاز قرآن، معانی لغات، مباحث لفظی و... می‌پردازند، را به مریضی تشبیه می‌کنند، که به جای عمل به نسخه و استفاده از داروهای نسخه پزشک، مشغول حفظ نسخه و تحلیل کلمات نسخه هستند، و نتیجه، مرگ چنین مریضی خواهد بود، و علم به نسخه و مراجعه به پزشک برای او بی‌فایده است:

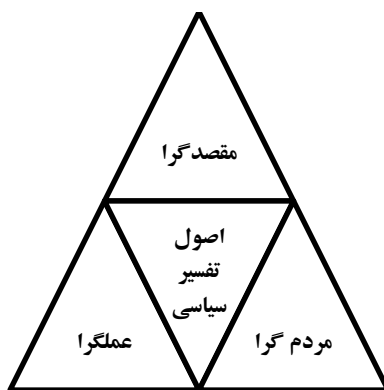
«اینان نیز تا آخر عمر نقد جوانی و روزگار زندگانی را صرف در تکثیر اصطلاح و ضبط کتب و صحف کنند، مثل یک طایفه از علماء تفسیر قرآن که استفادت از قرآن را منحصر به ضبط و جمع اختلاف قرائات و معانی لغات و تصاریف کلمات و محسنات لفظیه و معنویه و وجوه اعجاز قرآن و معانی عرفیه و اختلاف افهام ناس در آنها دانند، و از دعوات قرآن و جهات روحیه و معارف الهیه آن بکلی غافلند. اینان نیز به مریضی مانند که رجوع به طبیب نموده، نسخه او را گرفته، و معالجه خود را به ضبط نسخه و حفظ آن و کیفیت ترکیبات آن دانند. اینان را مرض خواهد کشت و علم به نسخه و مراجعه به طبیب برای آنها به کلی بی‌نتیجه است» (امام خمینی، ۱۳۸۸ الف: ص ۱۷۲).

لذا، ایشان این نحوه تفسیر، تفاسیر علمی‌ای که به دنبال اثبات‌گرایی و پوزیتیویسم است را نه تنها مفید نمی‌دانند، که مضر برمی‌شمرند، چراکه بحث‌های حاشیه‌ای این چنینی بیشتر باعث تکثر بی‌فایده مباحث و دور شدن از مقصد اصلی قرآن می‌شود:

«فساد و تهذیب باطن کمکی نمی‌کند، بلکه کثرت ابحاث اختراعیه و زیادی شعب علمیه و غیرعلمیه آن و نقل‌های بی‌فایده راست و دروغ آن، انسان را از مقصد اصلی بازمی‌دارد و از تهذیب و تطهیر اخلاق عقب می‌اندازد. بالجمله، به نظر

قاصر، اخلاق علمی و تاریخی و همین طور تفسیر ادبی و علمی و شرح احادیث بدین منوال از مقصد و مقصود دور افتادن و تبعیدِ قریب نمودن است» (امام خمینی، ۱۳۸۷: ص ۱۳).

امام خمینی براساس تقسیم‌بندی آیات قرآنی، به محکمت و متشابهات آیات را به عملی و علمی تقسیم‌بندی می‌کند (دیاری بیدگلی، ۱۳۹۲: ص ۱۶۲):



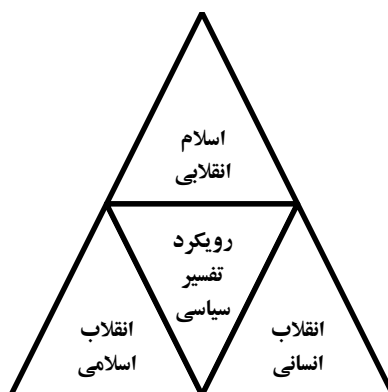
شکل ۶. اصول تفسیر سیاسی امام خمینی

«در قرآن نیز همین دو گونه آیات وارد است: یکی آیات عملی که باید توده مردم به آن عمل کنند و در کشور باید به مورد اجرا گذاشت و دیگری آیات علمی که چنین نیست. لذا، ناچار احادیث و آیاتی که از دسته اول است، چون عمومی است و برای عمل کردن است، باید با فهم عموم درست بیاید ... البته قانونی که برای یک مملکت وارد شد، نباید طوری وضع شود، که اهالی مملکت، آن قانون را نفهمند» (امام خمینی، ۱۳۲۷، کشف اسرار، ص ۳۲۲).

۸-۴. رویکرد راهبردی

مبتنی بر اصول تفسیر سیاسی امام خمینی که تبیین گردید، می‌توان رویکرد تفسیر سیاسی امام خمینی را «رویکرد راهبردی» نامید. این رویکرد مبتنی بر اصول سه‌گانه، مقصدگرایی، مردم‌گرایی و عمل‌گرایی، شکل می‌گیرد.

منظور از این راهبرد در رویکرد راهبردی چیست؟ و چگونه محقق می‌شود؟ این راهبرد و رویکرد راهبردی را می‌توان، ناظر بر تجربه و نظریه انقلاب امام خمینی تبیین نمود.



شکل ۷. رویکرد تفسیر سیاسی امام خمینی

براساس نظریه انقلاب امام خمینی (نامخواه، ۱۳۹۴: ص ۱۴۷-۱۷۶)، ایشان با تحریف‌زدایی از اسلام، اسلام ناب و اسلام انقلابی را به مثابه عالی‌ترین مقصد قرآن به جامعه معرفی می‌نمایند. نتیجه این تحریف‌زدایی از مقصد عالی قرآنی و تحریف‌زدایی از وحی، انقلاب انسانی خواهد بود، که انسان‌هایی انقلابی را شکل خواهد داد، انسان‌هایی که در مسیر تحقق این مقاصد حرکت خواهند نمود و نتیجه این تحریف‌زدایی از وحی و تبیین اسلام ناب و اسلام انقلابی برای مردم و شکل‌گیری انسان‌های انقلابی انقلاب اسلامی و تحقق مقاصد قرآنی خواهد بود.

۹. نتیجه‌گیری

مبتنی بر رویکرد خاص و متفاوت امام خمینی در تفسیر آیات قرآن، می‌توان قرآن را به متن اندیشه سیاسی و کنش سیاسی جهان اسلام بازگرداند، چرا که این تفسیر اولاً قرآن و مقصد هدایتی آن را اساساً راهبردی و سیاسی فهم می‌کند و دوم اینکه به دنبال تحقق این مقصد و هدایت در عینیت جامعه می‌باشد و در اندیشه و کنش سیاسی ایران اثربخش بوده است. مبانی، اصول و رویکرد آن در تبیین و تفسیر آیات قرآن ظرفیت و قابلیت تحقق این اهداف را نیز دارا است.

مبتنی بر این رویکرد در تفسیر سیاسی قرآن فراتر از تبیین مقاصد الهی به مقاصد شیطانی دشمنان اسلام نیز باید توجه نمود، برخلاف بسیاری از تفاسیر که نهایتاً به مقاصد الهی قرآن می‌پردازند، بدون فهم مقاصد و راهبردهای دشمن مبتنی بر آیات قرآن. لذا، تفاسیر سیاسی جهان اسلام توانایی اثربخشی و ایستادگی در برابر شبهات و کنش‌های سیاسی دشمنان جهان اسلام را نخواهد داشت. علاوه بر توجه به مفاهیم و مقاصد متقابل، باید به مفاهیم تحریفی نیز توجه نمود. تفاسیر سیاسی که توفیق بیابند و علاوه بر مقاصد الهی بتوانند مقاصد شیطانی دشمن را تفسیر نمایند، اگر نتوانند مفاهیم تحریفی را تبیین کنند و جلوی تحریف مفاهیم و مقاصد قرآن را بگیرند، در برابر جریان‌های انحرافی و نفوذ سیاسی و نفاق کارآمد و پاسخ‌گو نیستند.

تفاسیر سیاسی جهان اسلام ضمن توجه به مبانی فوق باید به اصول مقصدگرایی، مردم‌گرایی و عمل‌گرایی توجه نمایند، لذا، این تفاسیر سیاسی باید به جای پرداختن به حواشی و مسائل فرعی به مقاصد راهبردی و سیاسی قرآن توجه نمایند. همچنین ادبیات و بیان این تفاسیر باید مردم‌گرا باشد، ضمن آنکه قابل فهم برای عموم مردم است، بتواند در فضای اجتماعی و سیاسی جامعه موثر باشد و بالاخره این تفاسیر باید به این اصل توجه کنند که باید عمل‌گرا باشند و بتوانند در عینیت اجتماع حرکت‌بخش و اثربخش باشند.

تفاسیر سیاسی جهان اسلام باید با تحریف‌زدایی از مفاهیم و مقاصد قرآن، اسلام ناب و اسلام پویا و زاینده را به جهان اسلام معرفی کنند، و بتوانند رستاخیزی در درون مسلمین ایجاد کنند که نتیجه آن شکل‌گیری انسان‌ها و جوامع انقلابی خواهد بود و می‌توانند مقاصد قرآن را در جهان محقق نمایند.

منابع

قرآن کریم

۱. ایازی، سید محمدعلی (۱۳۸۸). تفسیر قرآن مجید، برگرفته از آثار امام خمینی. تهران: نشر عروج، چاپ سوم، ج ۱.
۲. پارسانیا، حمید؛ زائری، قاسم؛ اعلمی، زینب (۱۳۹۴). بررسی مقایسه‌ای مواجهه امام خمینی و علمای سنت با «سنت» (در دوره منتهی به وقوع انقلاب اسلامی). اندیشه سیاسی اسلام، شماره ۸: ص ۶۷.
۳. حسینی، ابوالحسن (۱۳۹۲). مبانی معرفتی تفسیر سیاسی قرآن. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. تهران: انتشارات موسسه ایمان جهادی، چاپ هشتم.
۵. خمینی، سید روح الله (۱۳۷۲). صحیفه نور. تهران: سازمان اسناد و مدارک انقلاب اسلامی، ج ۱۶.
۶. خمینی، سید روح الله (۱۳۲۷). کشف اسرار. قم: انتشارات مصطفوی.
۷. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۶). قرآن کتاب هدایت در دیدگاه امام خمینی. تهران: نشر عروج، چاپ پنجم.
۸. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۷). شرح جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوازدهم.
۹. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۸ الف). آداب الصلاة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ شانزدهم.
۱۰. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۸ ج). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱، ۲، ۱۱، ۱۳، ۲۰، ۲۱.
۱۱. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۸ د). وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست و نهم.
۱۲. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۸ ر). ولایت فقیه، حکومت اسلامی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار

- امام خمینی، چاپ بیستم.
۱۳. دیاری بیدگلی، محمدتقی (۱۳۹۲). اندیشه و آرای تفسیری امام خمینی. تهران: نشر عروج، چاپ دوم.
۱۴. صادقی ارزگانی، محمدمین (۱۳۸۸). جلوه‌های قرآنی در نگاه امام خمینی. تهران: نشر عروج.
۱۵. عابدی، محمد (۱۳۹۶). مبانی فلسفه علمی تفسیر سیاسی. معرفت سیاسی، شماره ۱۸: ص ۵-۲۸.
۱۶. قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۸۹). سیاست و حکومت در قرآن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ چهارم.
۱۷. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۸). اصول کافی. قم: دارالتقلین، ج ۱.
۱۸. لک‌زایی، نجف (۱۳۸۷ الف). سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ هشتم.
۱۹. لک‌زایی، نجف (۱۳۸۷ ب). مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی. قم: بوستان کتاب.
۲۰. مهدوی‌زادگان، داود (۲۷ مهر ۱۳۹۵). گزارش نشست علمی تفسیر سیاسی قرآن کریم از دیدگاه امام خمینی. قابل دسترس در: <http://www.ihcs.ac.ir/fa/news/14286/>
۲۱. نامخواه، مجتبی (۱۳۹۴). نظریه انقلاب امام خمینی. اندیشه سیاسی در اسلام، دوره ۲، شماره ۵: ص ۱۴۷-۱۷۶.
۲۲. هاشمیان، سید محمدحسین؛ نامخواه، مجتبی (۱۳۹۳). تحلیل امام خمینی از چپستی انقلاب اسلامی و دلالت‌های آن در سیاست‌گذاری عمومی. سیاست متعالیه، شماره ۷: ص ۷۱.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/sm.2020.92761.1266

سروش، علی (۱۳۹۹). رویکرد امام خمینی در تفسیر سیاسی قرآن کریم. سیاست متعالیه، ۸(۲۸):

ص ۷-۳۴